

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله سوم: اهداف پایانی
فصل هفتم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله سوم

فصل هفتم

وقتی مرتکب اشتباه می شوید

مواردی را خواهید داشت که مشاوره را زودتر یا دیرتر از موقع مناسب، به طریق ناصحیح، بدون تامین موارد حفاظتی لازم، و نظیر آن، پایان داده اید. در چنین مواقع، چکار می توانید بکنید تا جبران آن را بکنید؟

ابتدا باید در نظر داشت که همه مشاوران مسیحی گناه کارند؛ هیچ یک مصون از خطا نمی باشند. همه قضاوت های ناصحیحی را خواهند کرد. بعضی مواقع نیز ممکن است نیتشان صحیح نباشد ("من از دست این متقاضی به ستوه آمده ام"، "من کارهایی دارم که تقدم بر مشاوره دارند"، "من باید عجله کنم"، و غیره). بخاطر این و شماری از دلایل دیگری، مشاوران مسیحی در برداشت زمانی که باید مشاوره را پایان داد و چگونه آن را بجای آورد، اشتباه خواهند کرد. سؤالی که در این فصل به آن می پردازیم این است که وقتی مرتکب اشتباه می شوید، چکار باید بکنید؟

البته سؤالاتی هست که باید در رابطه با اشتباه انجام شده مطرح کرد. چه اندازه اهمیت دارد؟ جانب آن چه بوده؟ چه اثری را داشته - خوب یا بد؟ به چه دلیل شما اشتباه کردید (بی کفایتی، روحیه ناصحیح، یا غیره)؟ این ها، و جوانب دیگر تاثیر بر آنچه باید بکنید تا جبران اشتباه صورت بگیرد، خواهند گذاشت.

اما ابتدا، موردی که کلاً در همه موجود خواهد بود را در نظر می گیریم، و سپس، به مواردی که مربوط به موقعیت خاصی می باشند، رسیدگی خواهیم کرد. هر اشتباهی که شده را باید اعتراف کرد. اگر قضاوتی که کردید اشتباه بوده به آن اعتراف کنید. اگر چه ممکن است با این کار، اطمینانی که متقاضی به شما داشته را از میان ببرید، در بیشتر موارد اطمینان او را بیشتر خواهید کرد. در آینده خواهد دانست، وقتی حرفی می زنید، می دانید که حقیقت دارد؛ به عبارت دیگر، اعتراف به اشتباه (گناه)، تنها اعتماد و اطمینان را ایجاد می کند. او خواهد دانست آنچه می کنید را خواهید سنجید، و نتیجتاً به شما اطمینان بیشتری خواهد یافت. با دروغ و حيله کارتان را ادامه نمی دهید.

جنبه دیگری که اعتراف به اشتباه دارد این است که باعث برگشت سریع به جانب جبران را فراهم می سازد. هیچ مورد دیگری نیست که مسیر را با این سرعت تغییر دهد. و سرعت تغییر مسیر است که در غالب مسائل لازم می باشد. خوب می دانیم که توبه، (که معنی "تغییر افکاری که باعث تغییر مسیر می شوند"، طبیعتاً برگشت کاملی را همراه دارد. دروغ گفتن و حيله (استتار ذهن شخص از حقیقت موجود)، حتی فرض کنیم قابل قبول خدا و متقاضی قرار گرفته شود، امکان تغییر سریع مسیر را بگونه ای که بیان حقیقت بوجود می آورد، نخواهد داشت. نتیجتاً، چون خدا آن را خواسته، و سریعترین راه را بوجود می آورد، همیشه اشتباهات خود را اعتراف کنید. سپس، بهتر خواهید توانست در راه جدید قدم بردارید.

اگر دلیل اشتباه قضاوت ناصحیح نبوده، بلکه بخاطر تسلیم به گناهی شده اید، همیشه گناه خود را نه تنها به خدا بلکه به متقاضی اعتراف کنید، و از هر دو طلب بخشش کنید. با این کار، رضایت خدا و اعتماد متقاضی را جلب خواهید کرد.

در خصوص پایان دادن به جلسات، اشتباهات گوناگونی می توانند صورت بگیرند. بعنوان مثال، زمانی را در نظر بگیرید که هیچ پیشرفتی را در کار ندیده اید. بجای آنکه دلیل عدم پیشرفت را تفحص کنید، بخود می گوئید، "این مورد غیر قابل حل شده و من دست از آن بر خواهم داشت". و

سپس آن را انجام می دهید. ممکن است متقاضی در اعتراض بگوید، ”ولی ما هنوز مسئله اصلی را حل نکرده ایم!“ وقتی متوجه گناهتان می شوید (شاید اعتراض او شما را هوشیار کرده)، آنچه باید بگوئید این است: ”در حقیقت من باید اعتراف کنم که امیدم را بجای خدا محدود به شما کرده بودم، و وقتی جریان پیشرفت شما کند شد، دلسرد شدم. بی صبری مرا ببخشید. حال که مسئله روشن شده، بهتر است به راه ادامه دهیم.“ در حقیقت، در بعضی موارد ممکن است اعتراف شما باعث کوشش بیشتر متقاضی شود. البته اشتباهاً فکر نکنید اعتراف به گناه راهی برای ایجاد کوشش بیشتر متقاضی نیز بحساب می آید؛ شما باید اعتراف به گناه بکنید چون خدا این را شما خواسته^(۱).

حال مثال دیگری را در نظر بگیرید. شما قبل از آنکه به اصل موضوع متقاضی بپردازید، به مشاوره پایان داده اید. به مسائل جانبی رسیدگی کردید اما سپس متقاضی را رها کردید. خود این موضوع را می دانید، ولی نتوانسته اید دلیل کوتاه فکری خود را پیدا کنید. نهایتاً به متقاضی گفتید، ”فکر کنم به همه موارد رسیدگی کرده ایم، و نتیجتاً این آخرین جلسه ما است.“ اما می دانید که به همه موارد رسیدگی نکرده اید. وقتی متوجه این حقیقت می شوید (از طریق بازرسی مجدد پرونده یا اندیشه خود)، حتی اگر ماه ها از مدت آن گذشته باشد به متقاضی بگوئید. ”من در حقیقت فکر نمی کنم به تمام موارد مشاوره شما رسیدگی کردم. این اشتباهی بود که من مرتکب شدم و طالب بخشش شما می باشم. من خسته شده بودم و به این دلیل عجله بخرج دادم. حقیقت این است که مطالبی وجود دارند که قبلاً به آن رسیدگی نشد. حال اگر موافق باشید می خواهم به جلسات مشاوره برگردید تا رسیدگی لازم انجام گیرد. نظرتان چیست؟“

بعضی مواقع نیز قضاوت نادرستی را خواهید کرد. ”بطوری که گفته بودم، فکر می کردم بقدر کافی به مسائل شما رسیدگی کرده بودم. اما حال که شنیدم چه اتفاق هائی افتاده، معلوم است که در اشتباه بوده ام. حال می دانم که کار های بیشتری باید انجام بگیرد؛ شاید سکونت و ریشه دوانی بیشتر لازم باشد. آیا موافق هستید وقت ملاقاتی برای دوشنبه آینده بگذاریم؟“

بعضی مواقع اشتباه شما ممکن است این بوده که متقاضی را به دست کشیش او سپرده اید. البته بیاد داشته باشید که کشیش متقاضی است که باید از او سرپرستی کند. اما معمولاً کشیش ها توانائی چنین کاری را ندارند، یا بدتر از آن، گرگی در لباس گوسفند بوده اند! در صورتی که تنها توانائی کار را ندارند، می توانید کمک های لازم را در جلسات خصوصی، یا همراه متقاضی، برایشان فراهم سازید.

در صورتی که کشیش متقاضی ناسالم است، دلیلی نداشته که شما با کشیش ناسالمی همکار شدید، چه رسد به آنکه متقاضی را به دستان او سپردید (مگر آنکه فریب خورده اید). شاید ترس از آن داشتید که شما را دزد گوسفندان نام ببرند. اما به هر صورت، عذر موجهی برای این کار ندارید. زمانی که وجدان شما بر ترستان غلبه کرد، مجبور خواهید شد با متقاضی تماس گرفته، به اشتباه خود اعتراف کنید، و از او بخواهید کلیسایش را ترک کرده و عضو کلیسای دیگری بشود. هیچ مشاوره ای که حقیقتاً اهمیت به متقاضی خود بدهد، نمی تواند او را به دستان کشیشی که او را منحرف خواهد کرد بسپارد. باید سعی بکند او را به جانب کلیسائی که حقیقتاً بر اساس کلام خدا بنا شده هدایت کند. این کار عمده ای از فرایند انتقال/پایان مشاوره می باشد. رسولان، افرادی که نجات یافته بودند را دوباره به کنیسه های مرتد نفرستادند، بلکه کلیسای عیسی مسیح را توسط آن ها بنا ساختند^(۲).

در مواردی نیز، ممکن است متقاضی مشاور را قانع کرده (خلاف عقیده او) که زمان پایان مشاوره فرا رسیده. زمانی که هر دو به این نتیجه رسیدند که این اقدام صحیح نبوده، مشاور لازم است دو کار را انجام رساند. ابتدا باید اعتراف کند که اشتباه کرد خلاف قضاوت شخصی خود

متقاعد شود. سپس باید از متقاضی بخواهد دوباره به جلسات مشاوره بازگردد. در این خصوص سرزنش متقاضی کار صحیحی نخواهد بود چون او نیست که سرپرستی مشاوره را عهده دار است(۳).

از طرفی، ممکن است مشاور زیر فشار های متقاضی متقاعد نشده باشد، و متقاضی خود جلسات را ترک کرده باشد، و حال که با مسائل و مشکلات برخورد کرده بخواهد دوباره به مشاوره بازگردد. در این صورت نیز دو کار را باید انجام دهد. باید خورسندی خود را از آنکه متقاضی حاضر شده به اشتباه خود اعتراف کند ابراز نماید، و سپس قرار ملاقات مشاوره بعدی را بگذارد. البته نباید فراموش کرد که این وقایع برای خدمت مشاوره مسیحی آموزنده نیز هستند. در نتیجه، اعتراف به گناه (اشتباه)، درخواست بخشش در صورتی که جایز است، ادامه مشاوره بخاطر آنچه ناتمام مانده، و تشویق و ترغیب مناسب، جزء ترکیب کارهایی است برای جبران شکست هایی (اشتباهاتی) که صورت گرفته، لازم می باشند. راجع به این موضوع ها خوب فکر کنید. ممکن است شما نیز دچار چنین اشتباهاتی بشوید.

فهرست زیر نویس های فصل هفتم

- (۱) هیچگاه از اوامر خدا سوء استفاده نکنید. چنین استفاده ای خود گناهی است که باید نسبت به آن توبه شود.
- (۲) وضعیتی که در دوران عهد قدیم وجود داشت شباهت به اوضاع کنونی ما دارد، بطوری که بسیاری از ایمانداران را باید تشویق کرد از کلیساهایی که مرتند شناخته شده اند، خارج شده به کلیساهایی که بر اصول کلام خدا مستقر می باشند بپیوندند.
- (۳) برای بحث بیشتر به مرحله اول، فصل چهارم، رجوع نمائید.